

## سازمان ملل متحد

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد مخالفت کردند؛ با پایان گرفتن جنگ سرد چنین نهادی برپا شد، اما دامنهٔ اختیاراتش کم و منابعش محدود بود. سازمان ملل متحد توانسته است بر بی‌میلی دولتها برای نظارت کردن و زیر نظارت قرار گرفتن چیره شود. در نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کشورهای بانفوذ، هنوز در برابر نظارت بین‌المللی ایستادگی می‌کنند، [برای نمونه] با انتصاب يك «گزارشگر» (یعنی نمایندهٔ سازمان ملل متحد که در مورد تخلف از ابزارهای حقوق بین‌المللی بشر و موارد اتهامی گزارش می‌دهد). چنین مقاومتی در بیشتر موارد به موفقیت انجامیده است؛ برای نمونه مورد چین در ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ و پس از آن در سال ۲۰۰۰ [را می‌توان ذکر کرد].

اما سازمان ملل متحد، با همهٔ ضعف‌هایش نمایانگر نگرانی جهانی در مورد حقوق بشر است و بر آن تأکید دارد. این سازمان در نیم سدهٔ گذشته حقوق بشر را در دستور کار جهانی قرار داد و به این وضع تداوم بخشید. حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، اعلامیهٔ جهانی، میثاقها و کنوانسیونهای متعدد را گسترش داد و توجه جهانی را به مشکلات حقوق بشری - که نظارت بیشتری را می‌طلبد - متمرکز ساخت. وجود سازمان ملل متحد - مجموعهٔ ارگانهایش، رابطه‌اش با حکومتها و نهادهای غیردولتی و فعالیتهای گوناگونش - به «تشویق احترام جهانی نسبت به حقوق بشر و آزادیهای اساسی و رعایت آنها» به گونه‌ای که در سال ۱۹۴۵ در منشور اعلام شده، کمک کرده است.

## نفوذ ایالات متحده

ایالات متحده، اصلی‌ترین عامل اثرگذار در گسترش آرمان حقوق بشر و شرکت‌کنندهٔ اصلی در جنبش حقوق بین‌المللی بشر بوده است. [بطور کلی] نفوذ ایالات متحده درست درك نشده و این نفوذ به شیوه‌ای نادرست تفسیر شده است. ایالات متحده به گونه گسترده - و تا حدی عادلانه - برای کوتاهی‌های حیاتی‌اش در پشتیبانی و مشارکت در زمینهٔ حقوق بین‌المللی بشر مورد

پس از سال ۱۹۴۵ متفقین درصد استقرار [کامل] پیرویشان و ایجاد نهادهای منسجمی بودند که حافظ صلح و امنیت بین‌المللی و زیر نظارت ابرقدرتها باشد و این کار را بیشتر از راه سازمان ملل متحد و شورای امنیت انجام دادند. اما دیگر نهادها و ارگانها بویژه مجمع عمومی شامل تعداد فزاینده‌ای از دیگر دولتها بود. دولتهای کوچکتر که بیشترشان از [حضور در] شورای امنیت و بهره‌گیری از اختیاراتش در خصوص صلح و امنیت بین‌المللی محروم شده بودند برای تشویق اهداف اجتماعی و سیاسی منشور ملل متحد، از جمله حقوق بشر درصد بهره‌گیری از نهادهایی برآمدند که زیر نظرشان قرار داشتند. دولتهای کوچکتر برای [دستیابی به] منشور بین‌المللی حقوق و [تأسیس] نهادهای نیرومندتر حقوق بشر در سازمان ملل متحد، زیر نظارت مجمع عمومی و ارگانهای فرعی آن، پافشاری می‌کردند. ابرقدرتها که تمایلی برای به عهده گرفتن تعهدات و مسئولیتهای حقوقی در قبال حقوق بین‌المللی بشر نداشتند، کار رهبری برای جهانی کردن اندیشهٔ حقوق بشر را برعهده نگرفتند، اما با ابتکار عمل دیگران در خصوص حقوق بشر در عرصهٔ سازمان ملل متحد هم مخالفت نکردند.

بنابراین حقوق بشر در نیم سده فعالیت سازمان ملل متحد، در دستور کار این نهاد سیاسی قرار داشت. البته، سازمان ملل يك نهاد سیاسی است و سیاستهای پیچیدهٔ نظام بین‌المللی، همچون سیاستهای مربوط به اجرای حقوق بشر را منعکس می‌کند. ارکان سیاسی سازمان ملل بویژه در دوران جنگ سرد زیر نفوذ مسائل سیاسی کار کردند. سازمان ملل متحد نمی‌توانست با سرعت و به گونهٔ مؤثر حتی نسبت به کشتارهای جمعی و فجایع گسترده و مشابه (در کامبوج، آفریقای استوایی، رواندا و یوگسلاوی سابق) واکنش نشان دهد. در برخی موارد، نهادهای سازمان ملل معیارهای دوگانه و «اهداف گزینشی» اعمال کردند. به مدت سی سال اتحاد جماهیر شوروی و يك ائتلاف ارادی، با تأسیس

## حقوق بشر: از آرمان تا واقعیت و چشم‌انداز آینده

بخش دوم

لویی هنکین

استاد دانشگاه کلمبیا و رئیس مرکز مطالعات در زمینه حقوق بشر

ترجمه فرید سرفراز  
دانشگاه پیام‌نور

دمبارتن اوکس، سانفرانسیسکو و نوربرگ و در سازمان ملل متحد از جهانی سازی حقوق بشر و بین‌المللی کردن آن پشتیبانی و طرفداری کرده است. همچنین نقش مهمی در تدارک و صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و کنوانسیونهای پس از آن بازی کرده است. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم، به کشورهای شکست خورده و تصرف شده، آرمان حقوق بشر را ارائه کرد (گرچه در حقیقت تحمیل کرد) و از مسیر این دولتها اصول حقوق بشر را تا [سرزمینهای] دوردست گسترش داد. تحمیل ایدئولوژی حقوق بشر به آلمان، آلمان امروزی را به الگویی از برقراری قانون اساسی و حقوق بشر - برای دیگر کشورهای اروپا و نیز فراتر از آنها - تبدیل کرد. ایالات متحده پایبندی به حقوق بشر را بعنوان يك ایزار مهم در جنگ سرد به کار برد، آنهم از راه تشویق احترام به حقوق، از سوی متفقیین و هم‌پیمانان بعدیش (گرچه بیشتر «ضدیت با کمونیسم») را بعنوان جانشین این امر می‌پذیرفت. این کشور به کاربرد احترام به حقوق بشر بعنوان موتور «فرایند هلسینکی» و مشارکت آن [فرایند] در برقراری قانون اساسی و دموکراسی، و احترام به حقوق بشر، در اروپای مرکزی و شرقی، کمک کرد.<sup>۳۶</sup>

جدا از ملاحظات مربوط به جنگ سرد، بیشتر دولتها تشخیص داده‌اند که ایجاد شرایط مساعد برای گسترش حقوق بشر در کشورشان در [برقراری] روابط سیاسی و اقتصادی دلخواه با ایالات متحده نقش مهمی دارد و سرپیچی‌های جدی از حقوق بشر این روابط را به مخاطره می‌افکند. رؤسای جمهوری ایالات متحده اعلام کرده‌اند که احترام به حقوق بشر در سراسر جهان، در سیاست خارجی آن کشور عنصر مهمی به‌شمار می‌رود. برای نمونه، پرزیدنت جیمی کارتر به‌علت کمک در به پایان گرفتن قتل‌ها و ناپدید شدن‌ها در «طول جنگ کئیف» در آرژانتین و دیگر نقاط آمریکای لاتین، شهرت یافته است. بی‌چون‌وچرا تمایل چین به بهبود بخشیدن روابطش با آمریکا از عواملی بود که چین را در ۱۵ اکتبر ۱۹۹۸ به امضای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی واداشت که به

انتقاد واقع شده است. به‌ظاهر، ایالات متحده در معبد حقوق بشر ستون اصلی به‌شمار نمی‌رود بلکه ستونی جانبی است که [حقوق بشر] را از بیرون مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. بارها اشاره شده که ایالات متحده با تأیید منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اخلافتش تعهد گسترده‌ای برای ارج نهادن به حقوق بشر پذیرفته است. البته منظور [ایالات متحده] از حقوق بشر پدیده‌ای برای همگان نبوده، بویژه هنگامی که برایش هزینه زیادی دربرداشته باشد. چند بار یادآوری کردیم که ایالات متحده به ایستادگی در برابر تصویب میثاقها و کنوانسیون‌ها ادامه داده است و آن اندازه را هم که تصویب کرده است از تحفظها، برداشتها و بیانیه‌ها پر کرده است.<sup>۳۲</sup> [ایالات متحده] هنوز نه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تصویب کرده است، نه کنوانسیون از میان بردن - همه اشکال تبعیض در مورد زنان را.<sup>۳۳</sup> این کشور از نظر کوتاهی در تصویب کنوانسیون حقوق کودک، تقریباً تنها است. ایالات متحده میلی به رهبری اجرای جمعی هنجارهای حقوق بشر یا پذیرفتن هزینه‌های این رهبری ندارد. ایستادگی ایالات متحده در برابر تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی کار آمد، دلسرده کننده بوده است.<sup>۳۴</sup> گرچه حقوق بشر در مجموع در ایالات متحده مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد، اما این کشور برخلاف خواست بین‌المللی، به‌گونه چشمگیر مجازات اعدام را افزایش داده است.<sup>۳۵</sup> وضع زندان‌هایش گاهی نامناسب است، بدرفتاری پلیس غیر عادی نیست، برابری نژادی هنوز امری مبهم است، دولت فدرال و برخی از ایالات تعهدات اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به شهروندان را کاهش داده‌اند، و قوانین و سیاست‌های مهاجرت ایالات متحده نامتعادل و گاهی غیر انسانی است.

بی‌گمان تا امروز، ایالات متحده از راههای مهمی در پیشبرد حقوق بین‌المللی بشر مشارکت داشته است و شاید بیشتر با ارائه نمونه‌ای از يك نظام کارآمد مبتنی بر قانون اساسی و متعهد به حقوق فردی به گسترش آرمان حقوق بشر، یاری رسانده است. ایالات متحده در روابط بین‌المللی‌اش - از چهار آزادی طرح شده در

### ○ سازمان ملل متحد

توانسته است بر بی میلی دولتها برای نظارت کردن و زیر نظارت قرار گرفتن چیره شود. در نهادهایی چون کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کشورهای بانفوذ، هنوز در برابر نظارت بین‌المللی ایستادگی می‌کنند.

مناسبتی در آورد. مجازاتهای وضع شده از سوی کنگره، به قطع کمک ایالات متحده به نیروهای امنیتی خارجی که متهم به تخلفات شدید از حقوق بشر هستند منجر شد<sup>۲۱</sup> در اکتبر ۱۹۹۸ کنگره قانون آزادی مذهبی بین‌المللی را تصویب کرد، که به نظر هوادارانش، در [رشد] احترام به آزادی مذهبی، در بسیاری از کشورها، مؤثر خواهد بود.<sup>۲۲</sup>

دادگاههای ایالات متحده نیز، با رسیدگی به دعاوی مدنی بر ضد مقامات خارجی به اتهام شکنجه، قتل، ناپدید کردن و دیگر تخلفات از حقوق بشر در برابر این گونه امور در کشورهای دیگر اعمال نفوذ کرده‌اند.<sup>۲۳</sup> این موارد به نسبت نادر است و احکام مالی در بیشتر موارد اجرا نمی‌شود، اما چنین مواردی حتی اگر ایالات متحده را از صورت پناهگاه متخلفان اصلی و دارایی ایشان خارج کند، به افزایش آگاهی، قضاوت، ایجاد سابقه، و شاید تا اندازه‌ای به جلوگیری از این گونه امور کمک خواهد شد.

### جنگ سرد و پایان آن

جنگ سرد که حتی پیش از صدور اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز شده بود،<sup>۲۴</sup> یکپارچگی متفقین پیروز در زمینه ترویج حقوق بشر را خدشه‌دار ساخت. با این همه، در آن زمان هر طرف در ایده حقوق بشر نقطه تمرکز مهم در سیاست و یک ابزار نیرومند ایدئولوژیک مشاهده می‌کرد. ایالات متحده و دیگر قدرتهای غربی بر پایه چند دهه رویارویی با کمونیسم، پایبندی به دموکراسی اصیل، آزادی و حقوق بشر را بعنوان شاخصه‌های ایدئولوژی‌شان - چیزهایی که خود را نماینده‌اش می‌دانستند و آنچه آنها را از رقبایشان در جنگ سرد جدا می‌ساخت - اعلام داشتند. آنها احترام به حقوق بشر را بعنوان معیاری برای [برقراری] روابط دوستانه و [برپایی] اتحادیه‌هایی برای تجارت و [دادن] کمک مالی، به کار بردند. بلوک شوروی به سهم خود، به شهروندان خود و جهان غیر متعهد و انمود می‌کرد که تنها این بلوک دارای دموکراسی اصیل است و اینکه تنها ایدئولوژی سوسیالیستی است که نمایانگر پایبندی واقعی به حقوق بشر

موجب آن امید برقراری حقوق بین‌المللی بشر کمابیش در میان یک میلیارد انسان گسترش یافت. کنگره ایالات متحده با وضع قوانین تشویقی یا تنبیهی در صدد تشویق احترام به حقوق بشر در دیگر کشورها بوده است. کنگره از دهه ۱۹۷۰ در برابر رأی دهندگانی که در زمینه [وضع] حقوق بشر در دیگر کشورها به طور کلی یا در برخی کشورهای خاص، حساس بوده‌اند، پاسخگو بوده است. ایالات متحده با جلوگیری از فروش جنگ‌افزار یا خودداری از کمک مالی به دولتهایی که از «الگوهای ثابت تخلف شدید از حقوق بشر» شناخته شده در سطح بین‌المللی پیروی کرده‌اند، مجازاتهایی مقرر داشته و نمایندگان ایالات متحده در نهادهای بین‌المللی را ملزم به جلوگیری از دادن کمک بین‌المللی به دولتهای متخلف کرده است.<sup>۲۷</sup> نگرانی در مورد وضع حقوق بشر در کشورهای خاص - برای نمونه لهستان یا یونان، شوروی و برخی کشورهای آمریکای لاتین - در زمانهای گوناگون کنگره را به کار برد مجازاتهای «خاص یک کشور» رهنمون شد. از معروفترین آنها می‌توان از اعمال مجازاتهایی در مورد آفریقای جنوبی در دوران تبعیض نژادی<sup>۲۸</sup> و نیز تصویب اصلاحیه «جکسون-وانیک» (Jackson - Vanik) در خصوص محروم کردن اتحاد جماهیر شوروی از امتیازهای بازرگانی نام برد که البته در صورتی که شوروی به شهروندان خود اجازه مهاجرت می‌داد این محرومیت‌ها لغو می‌شد.<sup>۲۹</sup> در دهه ۱۹۷۰، کنگره ایالات متحده [مقرر] داشت که دستگاهی برای بررسی حقوق بشر در وزارت امور خارجه تشکیل شود که با گزارشهای مفصل سالیانه‌اش در زمینه وضع حقوق بشر در هر یک از کشورهای جهان، به رواج آرمان حقوق بشر در جهان، کمک کرده است.<sup>۳۰</sup> این گزارشها در مورد کشورها، چارچوبی برای مذاکرات سفیران ایالات متحده با دولتهای دیگر فراهم آورده که در بیشتر موارد محرمانه و با اهمیت بوده است. در نتیجه چنین مذاکراتی بود که دولتی به شکنجه‌های پلیس پایان داد و دولتی دیگر وضع زندانهایش را بهبود بخشید و آنها را به شکل

○ گرچه حقوق بشر در مجموع در ایالات متحده مورد پشتیبانی قرار می‌گیرد، اما این کشور برخلاف خواست بین‌المللی، به گونه چشمگیر مجازات اعدام را افزایش داده است. وضع زندان‌هایش گاهی نامناسب است، بدرفتاری پلیس غیر عادی نیست، برابری نژادی هنوز امری مبهم است، دولت فدرال و برخی از ایالات تعهدات اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به شهروندان را کاهش داده‌اند، و قوانین و سیاست‌های مهاجرت ایالات متحده نامتعادل و گاهی غیر انسانی است.

نیز دربرگرفت، تعهد نسبت به حقوق بشر را در منطقه تحکیم بخشید و نفوذش را به آن سوی مرزها گسترش داد.<sup>۲۷</sup>

با پایان جنگ سرد، پذیرش آرمان حقوق بشر در سراسر نظام سیاسی - اقتصادی بین‌المللی، توسعه یافت. پایان آبارتاید نیز همراه با تجدید حیات شورای امنیت سازمان ملل، به‌زودی به افزایش توانایی [شورا] برای اقدام بر ضد تخلفات شدید از حقوق بشر، همچون تخلفات یوگسلاوی پیشین و رواندا که صلح و امنیت بین‌المللی را به‌خطر می‌انداختند، انجامید و همچنین به تشکیل محاکم بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم جنگی و جرائم نسبت به بشریت منجر شد.<sup>۲۸</sup> دوستگی آشکار در کمیته حقوق بشر کاهش یافت و این امر موجب کارآمدتر شدن فرایند نظارتی آن کمیته گشت. کمیته حقوق اقتصادی و اجتماعی که در ۱۹۸۵ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل برپا شده بود نیز فعال‌تر شد. تصویب میثاقها پیوسته افزایش یافت، همچنان‌که تصویب کنوانسیونهایی مانند کنوانسیون کشتار جمعی، کنوانسیون از میان بردن همه اشکال تبعیض نژادی، کنوانسیون از میان بردن تبعیض نسبت به زنان، کنوانسیون منع شکنجه و کنوانسیون جدید در مورد حقوق کودک، رو به افزایش بوده است.

### جهان سوم

پایان استعمار، افزایش دولت‌های تازه، ظهور جهان سوم و تبدیل شدنش به «جهان در حال توسعه» پس از جنگ سرد، شاید سیاست‌های حقوق بشری را پیچیده کرده باشد، اما در تقویت جنبش حقوق نیز سهیم بوده است. افزایش شمار دولت‌ها و استعمارزدایی سریع، تبدیل اعلامیه جهانی حقوق بشر به میثاقها و کنوانسیون‌ها را کند کرده بود. جهان سوم گرچه گاهی موجب ناخرسندی غرب، با حالت حق به جانبش شده، اما تعهد خود را نسبت به آرمان حقوق بشر ایفا کرده است و اعضایش گاهی برای رسیدن به منافع خاص مربوط به حقوق بشر که مورد پسندشان بود، به بهره‌برداری از جنگ سرد پرداختند. آنها «حق تعیین سرنوشت» و «حق

اصیل و بویژه به حقوق اقتصادی و اجتماعی، و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان است.

بعدها در ۱۹۷۵ در هلستینکی کشورهای عضو بلوک شوروی که به هنگام تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به آن رأی ممتنع داده بودند، نسبت به حقوق بشر تعهدی روشن پذیرفتند. شوروی این اقدام را بعنوان بهای تنش‌زدایی و در برابر تعهدات غرب برای خودداری از عقب‌رانندگی مرزهای پس از جنگ در اروپای مرکزی و شرقی «از جمله بخش مربوط به آلمان» انجام داد و آشکارا خودش را نسبت به اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر متعهد ساخت و پذیرفت که به پیمانهای حقوق بین‌المللی بشر شامل میثاقها و کنوانسیون‌هایی که تصویب کرده بود ولی نادیده‌شان می‌گرفت، عمل کند؛ در نتیجه گروه‌های ناظر هلستینکی سر بر آوردند و بنیانهایی برای برنامه رو به رشد سازمان‌های نظارتی و غیر دولتی حقوق بشر و مشروعیت بخشیدن به آنها فراهم آوردند.<sup>۲۵</sup>

پایان جنگ سرد در اتحاد جماهیر شوروی و امپراتوری پیشینش در زمینه حقوق بشر طنین خاصی داشت. توافقنامه‌های هلستینکی در تعهدات گسترده‌تر میان طرفین که در اسناد کنفرانسهای پاریس، وین، بن و بویژه کینهاک و مسکو آمده بود، انجام شد.<sup>۲۶</sup> در این اسناد، تعهد مشترک به حقوق بشر به تفصیل تشریح و دموکراسی بعنوان حق مهم بشری و مبنایی برای دیگر حقوق بشر تعیین شد. بنابراین آرمان حقوق بشر به کشورهای از اروپای مرکزی و شرقی گسترش یافت. سپس پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی در اروپای غربی بعنوان بخشی از [روند] پیشرفت به‌سوی [برپایی] اتحاد اروپا، «درخواست‌های عضویت» از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی و دیگر همسایه‌ها را به‌سوی خود سرازیر کرد و آنها را متعهد به نظام‌های اروپایی حقوق بشر و پیوستن به آنها کرد. در ۱۹۹۸-۱۹۹۷ يك نظام اروپایی حقوق بشر گسترش یافت و از نو سازماندهی شد به‌گونه‌ای که دولت‌های اروپایی شرقی و مرکزی را

○ بیشتر دولت‌ها تشخیص داده‌اند که ایجاد شرایط مساعد برای گسترش حقوق بشر در کشورشان در [برقراری] روابط سیاسی و اقتصادی دلخواه با ایالات متحده نقش مهمی دارد و سرپیچی‌های جدی از حقوق بشر این روابط را به مخاطره می‌افکند.

تعیین سرنوشت اقتصادی» را در هر دو میثاق گنجانده و در جهت توسعه خود و همچنین برای دستیابی به کمک مالی بین‌المللی، در پی علاقه خاصشان در حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی بودند.

پایندی جهان سوم به حقوق خاص خود و پافشاری‌اش بر برابری و عدم تبعیض و تعهد کلی‌اش به حقوق بین‌المللی بشر کمک کرد تا این [حقوق] همچون هنجارهای اصلی، در میثاق‌ها و کنوانسیون‌ها ظهور یابد. از آنجا که کشورهای جهان سوم تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی را توهینی بزرگ می‌دانستند، به مبارزه برضد آن پیوستند [و این نبرد را] رهبری کردند، و به سوی ایجاد و تحکیم نهادهای حقوق بین‌المللی بشر -بعنوان سلاحی برضد تبعیض نژادی- حرکت کردند. آنچه در آغاز اقدامی در برابر تبعیض نژادی بود به پیدایش کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد انجامید که بیشتر گونه‌های همیشگی تخلف از حقوق بشر را بررسی می‌کند.<sup>۴۹</sup> این روش موفقیت‌آمیز برای [برقراری] ضمانت اجرایی در برابر تبعیض نژادی، به صورت پیشنهادی برای ضمانت‌های اجرایی در برابر دیگر تخلفات شدید درآمد.<sup>۵۰</sup> هنگامی که در سال ۱۹۹۳ در وین، شماری از کشورها با توسل به «نسیب فرهنگی» و «ارزشهای آسیایی» درصدد تضعیف ایده حقوق بشر بودند، دیگران، از جمله برخی حکومت‌های آسیایی و سازمان‌های غیر دولتی (NGOs) آسیایی، بر همگانی بودن حقوق بشر پافشاری کردند و به پشتیبانی از ایده حقوق بشر پرداختند.<sup>۵۱</sup> در جریان کنفرانس ۱۹۹۳ و پس از آن، کشورهای جهان سوم کمتر از قدرتهای بزرگ‌تر چون چین، روسیه و حتی ایالات متحده در زمینه حاکمیتشان [حالت] دفاعی داشتند.

### حقوق بشر منطقه‌ای

جنبش حقوق بشر منطقه‌ای نیز با رشد هنجارها و نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر بسیار نیرو گرفت. نظام اروپایی حقوق بشر در روزهای آغازین اعلامیه جهانی، از منابع عمومی و برخی میراث‌های مشترک [این قاره] ریشه گرفت.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مرحله به مرحله با تدوین پروتکل‌هایی به موازات رشد اعتماد در میان اعضا، و نیز بر بستر علائق مشترکشان و در درون نهادهایی که ایجاد شد گسترش یافت. نظام اروپایی، یک کمیسیون اروپایی حقوق بشر کارآمد و یک دادگاه حقوق بشر معتبر ایجاد کرد که با گذشت زمان یک آیین قضایی غنی و گلچین شده پدید آورد. اعضای اصلی حتی آنهایی که سنت حقوقی خودشان را داشتند، همچون انگلیس تسلیم آرای آن شدند و روشهایشان را بهبود بخشیدند. برای نمونه در موارد متعددی به انگلیس دستور داده شد به آزادی تشریفات ساندی‌تایمز احترام گذارد، به رفتارهای تحقیرآمیزش در یک بیمارستان روانی پایان دهد و تنبیه بدنی کودکان در مدارس را ممنوع کند. دیوان اروپایی، برخی قوانین بریتانیا را در ایرلند شمالی معتبر ندانست؛ از تحویل یک بریتانیایی به ایالت ویرجینیا برای محاکمه شدن جلوگیری کرد، به این علت که در صورت محکومیت ممکن بود مدت زیادی در بند محکومان به مرگ نگهداری شود؛ کاری که در آن شرایط تخلف از اصل جلوگیری از شکنجه یا رفتار و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز به‌شمار می‌آمد. در این موارد و موارد دیگر، انگلیس با تغییر دادن و اصلاح رفتارش موافقت کرد. توفیق نظام اروپایی در آغاز سده جدید به تبدیل شدن آن [نظام] به یک دیوان تمام وقت گسترش یافته، شد. کشورهای اروپایی همچنین منشور اجتماعی اروپایی را تدوین کردند که در برقراری حقوق اقتصادی و اجتماعی مؤثر بوده است.<sup>۵۲</sup>

پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی در اروپا مانند اروپای مرکزی و شرقی پس از جنگ سرد، دولت‌های بیشتری را وارد نظام اروپایی حقوق بشر کرد و نهادهایش را توسعه بخشید. در همان هنگام، جامعه اقتصادی اروپا که در حال تبدیل به اتحاد اروپا بود، حقوق خاص اقتصادی و اجتماعی بشر را بویژه در مورد حق کار و رفت‌وآمد آزاد اشخاص میان کشورها توسعه داد. دیوان دادگستری اروپایی در لوکزامبورگ نیز آیین قضایی مستقل خود را در مورد حقوق بشر ایجاد کرد.<sup>۵۳</sup>

○ عوامل گوناگونی که پیروی از هنجارهای حقوق بشر را سبب می‌شود و به افزایش استواری از آنها با ایجاد احساس شرمساری، وسیله‌ای ناشناخته برای تحقق حقوق بشر به‌شمار می‌رود. سیاست‌ها و اقدامات بین‌دولتی و نیز دولتی با سیاست‌ها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و رسانه‌های گروهی و همچنین در بسیاری از کشورها با افکار عمومی دست‌به‌دست هم داده و به ایجاد این احساس شرمساری کلی [در دولت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌کنند] می‌انجامد.

چین شود؟ چرا بیش از یکصد دولت که عضو میثاقها و کنوانسیون‌ها شدند و خود را ملزم به دادن گزارش در مورد وضع حقوق بشر کردند، در برابر انتقادهای نهادهای بین‌المللی و دیگر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و نیز وسایل ارتباط جمعی مقاومت می‌کنند و به آنها پاسخ می‌دهند، به جای اینکه انتقاد به سبب کوتاهی در مشارکت در سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر را پذیرا شوند؟ راستی چرا کشورهای چون ایالات متحده به جای اینکه خطر انتقاد و رسوایی ناشی از تخلف از تعهدات خود را بپذیرند با [گنجاندن] تحفظهای نامطلوب از پذیرش تعهدات مربوط به حقوق بشر سرباز می‌زنند؟

### آیا حقوق بشر ایجادگر گونی کرده است؟

هنگامی که عناوین صفحه نخست روزنامه‌ها و اخبار تلویزیون به گزارشهایی در زمینه تخلفات شدید از حقوق بشر شامل نسل‌کشی و دیگر جرائم نسبت به بشریت اختصاص می‌یابد و هنگامی که گزارش‌های روزانه از شکنجه، بازداشت خودسرانه طولانی، تژادپرستی، سوءاستفاده از زنان و بهره‌کشی از کودکان ادامه دارد، باید پرسید پس چه چیزی تغییر کرده است؟ آیا حقوق انسانها بهتر از نیم سده پیش یعنی پیش از آغاز عصر حقوق بشر رعایت می‌شود؟

در پایان سده بیستم، حقوق بشر، چنان که در اعلامیه جهانی تعریف شده، هنوز يك آرمان جهانی است؛ آرمان حقوق بشر به سبب نفوذ بین‌المللی کمابیش در متن قانون اساسی همه کشورهای گنجانده شده است و در حال حاضر کمابیش همه کشورهای در سطح بین‌المللی ملزم به احترام و تضمین حقوق بشر شهروندانشان هستند. آن گروه از نهادهای بین‌المللی که کار نظارت و تفحص در مورد حقوق بشر را بر عهده دارند، بیشتر با چرب زبانی، وعده و گاهگاه نیز با تهدید دولت‌ها روبرو می‌شوند. فعالیت نهادهای بین‌المللی و نیز دولتی با اقدامات سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی (NGOs) و نیز رسانه‌های گروهی برای ایجاد و تشدید «احساس

دولتهای آمریکایی، با کنوانسیون حقوق بشر و نهادهای خاص خود، تجربه اروپا را آهسته و پیوسته تکرار کردند، گرچه بی‌گمان رشد نظام آمریکایی حقوق بشر به سبب حاشیه‌ای بودن حضور ایالات متحده به تأخیر افتاده است.<sup>۵۴</sup> نظام آمریکایی - شامل کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، که توسط کمیسیون آمریکایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی تحت اقتدار سازمان دولتهای آمریکایی تحقق می‌پذیرد - نیز در پیشبرد حقوق بشر سهیم بوده است. براساس رأی دیوان آمریکایی هنلوراس به سبب آدم‌ربایی و سربره‌نیست کردن یکی از شهروندان مسؤل شناخته شد و دیوان مذکور حکم به پرداخت غرامت به بازماندگانش داد.<sup>۵۵</sup> همچنین توصیه کرد که گسترش یافتن مجازات مرگ به جرائم دیگر از سوی گواتمالا تخلف از کنوانسیون آمریکایی به‌شمار آید. هر دو حکومت نیز به آرای فوق‌گردن نهادند.<sup>۵۶</sup>

کمیسیون آفریقایی نیز برای تحقق حقوق بشر، اقداماتی انجام داده است. دولتهای آفریقایی دست‌اندر کار ایجاد دیوان آفریقایی حقوق بشر و ملتها هستند.<sup>۵۷</sup>

### ایجاد شرمساری

عوامل گوناگونی که پیروی از هنجارهای حقوق بشر را سبب می‌شود رو به افزایش است و برخی از آنها با ایجاد احساس شرمساری، وسیله‌ای ناشناخته برای تحقق حقوق بشر به‌شمار می‌رود. سیاستها و اقدامات بین‌دولتی و نیز دولتی با سیاستها و اقدامات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و رسانه‌های گروهی و همچنین در بسیاری از کشورها با افکار عمومی دست به دست هم داده و به ایجاد این احساس شرمساری کلی [در دولتهای که حقوق بشر را نقض می‌کنند] می‌انجامد.

کارایی چنین عواملی [در وادار ساختن دولتها] به پیروی [از حقوق بشر] ظریف ولی روشن است. چرا چین در دهه ۱۹۹۰ تا این اندازه پیش رفت و تا به این اندازه هزینه سیاسی پرداخت تا مانع تعیین گزارشگر کمیسیون حقوق بشر برای تحقیق در زمینه وضع حقوق بشر در

○ برخی ناکامیهای حقوق بشر ناشی از سرشت نظام بین‌المللی و نارسایی‌های آن است. نهادهای مربوط به حقوق بشر می‌توانند تنها به تخلفاتی پردازند که در حوزه مسئولیت دولتها قرار می‌گیرد و به لطمه‌های فاحشی که بر اثر جنگها (شامل جنگهای داخلی) یا نقض فاحش حقوق بشر از سوی اوباش‌شان و تروریست‌ها به زندگی و رفاه انسان وارد می‌شود، نمی‌پردازند و نمی‌توانند پردازند.

شرمساری» و در تلاش برای جلوگیری، پایان دادن و جبران تخلفات از حقوق بشر دست به دست هم می‌دهند.

آرمان حقوق بشر به شکل گیری تحولات جهان کم‌کم کرده است. حقوق بین‌المللی بشر تبعیض نژادی را پایان داد و در برچیدن استعمار و دستیابی به نظام جهانی موجود که کمابیش ۲۰۰ دولت را دربرمی‌گیرد، مؤثر بوده است. حقوق بین‌المللی بشر نقش مهمی در پایان دادن به جنگ سرد و صلور آرمان حقوق بشر و بلز دموکراسی به امپراتوری شوروی سابق و فراتر داشت. «جنگ کثیف»، سر به نیست کردن‌ها و قتل‌های غیر قانونی در آمریکای لاتین تا اندازه زیادی در پرتو نفوذ حقوق بین‌المللی بشر پایان یافت. دادگاهی بین‌المللی در یوگسلاوی پیشین يك رئیس دولت را محاکمه کرد و در آنجا نیز دادگاهها در رواندا افراد را به سبب نسل‌کشی و جرائم مشابه به محاکمه کشیدند. يك رئیس پیشین دولت - اگوستو پینوشه - بازداشت شد تا به سبب شکنجه و قتل بسیاری از شهروندان - که در دوران حکومتش در شیلی انجام گرفته بود - مسترد شود (گرچه او به علت بیماری محاکمه نشد). نهادهای حقوق بین‌المللی بشر، بویژه نظام اروپایی حقوق بشر، به تخلفات دولتها و اعضای قدرتمند پرداخته و جرایمی برای آنان مقرر نموده‌اند. [بر این اساس] روند گسترش قلمرو نهادهای حقوق بشر از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای ادامه دارد.

بی‌چون‌وچرا حقوق بشر در کامبوج، بوسنی و رواندا، با شکست‌های سختی روبه‌رو شده است. در کشورهای مذکور و دیگر کشورها، قوانین اساسی، ملی و هنجارهای بین‌المللی در تحقق بخشیدن این حقوق ناکام ماندند؛ نهادهای بین‌المللی و حکومت‌های قدرتمند نیز از نشان دادن واکنش مناسب در این زمینه بازماندند. (انتظار شکست این گروه در نشان دادن هرگونه واکنش، در برابر تخلفات از حقوق بشر، بی‌تردید نقش بازدارندگی آنها را کاهش می‌داد). اما حقوق بین‌المللی بشر می‌تواند با این واکنشها، هرچند ناکافی و هرچند دیر هنگام، اعتبار خود را باز یابد و الهام‌بخش همه تلاشهای مداوم بعدی

برای پرداختن به این تخلفات فاحش گردد. قدرتهای بزرگ گهگاه تخلفات شدید از حقوق بشر را «تهدید صلح و امنیت بین‌المللی» اعلام کرده و آن را به شورای امنیت سازمان ملل متحد کشانده‌اند [که این امر] متجر به تحریم‌های بین‌المللی و حتی مداخله نظامی می‌شود (همچون جریان کوزوو در ۱۹۹۹). دادگاههای بین‌المللی برای محاکمه متخلفان بزرگ تشکیل جلسه می‌دهند و دیوان دائمی کیفری بین‌المللی برای قضاوت در مورد کشتار جمعی، جرائم جنگی و جرائم نسبت به بشریت در حال شکل‌گیری است. دولتهای گوناگون برای پشتیبانی از حقوق بین‌المللی بشر اقدام کرده‌اند و نفوذ دوگانه و چندگانه خود را به نیروی منسجمی در روابط بین‌الملل مبدل ساخته‌اند.

برخی ناکامیهای حقوق بشر ناشی از سرشت نظام بین‌المللی و نارسایی‌های آن است. نهادهای مربوط به حقوق بشر می‌توانند تنها به تخلفاتی بپردازند که در حوزه مسئولیت دولتها قرار می‌گیرد و به لطمه‌های فاحشی که بر اثر جنگها (شامل جنگهای داخلی) یا موارد نقض فاحش حقوق بشر از سوی اوباشان و تروریست‌ها به زندگی و رفاه انسان وارد می‌شود، نمی‌پردازند و نمی‌توانند بپردازند. با وجود این، در اوضاعی مانند وضع یوگسلاوی سابق، بخشهای آشوب‌زده آفریقا و تیمور شرقی نیز جامعه بین‌المللی نمی‌تواند از مسئولیت شانه خالی کند.

در برخی از کشورها فرهنگ حقوق بشر با ایستادگی فرهنگ اجتماعی قدیمی‌تر یعنی، فرهنگ نابرابریهای جنسی و بلزفتاری با «دیگران» روبه‌رو است و در برخی کشورها نیز حقوق بشر با مقاومت فرهنگ «حاکمیت» مواجه می‌شود، که این فرهنگ به دشواری از میان می‌رود. دستاوردهای حقوق بین‌المللی بشر، باید با توجه به دگرگونیهای جامعه داخلی و نتایجش در زندگی انسانها، ارزیابی شود. در کل، با پایان سده بیستم نسبت به سال ۱۹۴۸ جوامع بسیار بیشتری دارای نظامهای حقوق بشر شده‌اند؛ موارد کمتری از تخلفات شدید رخ داده و نهادهایی وجود دارند که به بازدارندگی، پیشگیری و جبران بهره‌گیری‌های نادرست از حقوق بشر

○ در برخی از کشورها فرهنگ حقوق بشر با ایستادگی فرهنگ اجتماعی قدیمی‌تر یعنی، فرهنگ نابرابریهای جنسی و بلزفتاری با «دیگران» روبه‌رو است و در برخی کشورها نیز حقوق بشر با مقاومت فرهنگ «حاکمیت» مواجه می‌شود، که این فرهنگ به دشواری از میان می‌رود.

می‌پردازند. جوامعی که در آنها این گونه نهادها غایب یا ناقص‌اند در حال حاضر «جوامع غیر عادی» یا «وضع اضطراری»، شمرده می‌شوند و برای دگرگونی و اصلاح نواقص خود زیر فشارهای دائم قرار دارند.

در حال حاضر هر انسانی در هر کشور خواهان آزادی‌ها، حمایت‌ها و مزایای حقوق بشر است. هر کس از جامعه خود این حقوق را طلب می‌کند. اینک تأمین حقوق هر انسان مسئولیت‌پذیری و حمایت بین‌المللی را می‌طلبد. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند تأمین حقوق اتباع خود را موضوعی داخلی به‌شمار آورد. جهان و نهادهایش ممکن است واکنش نشان بدهند یا ندهند؛ اما مسئولیتشان همچنان باقی است. اگر چه در دوره‌هایی غفلت یا بی‌تفاوتی بین‌المللی وجود دارد، ولی دولت‌ها همواره در معرض اعتراض و دگرگونی هستند.

صدها میلیون - حتی میلیاردها - انسانی که نیم سده پیش، از هیچ‌یک از حقوق بشر برخوردار نبودند، امروز زیر [حمایت] رژیم‌های حقوق بشر به‌سر می‌برند. شمار فزاینده‌ای از کشورها، تأمین حقوق فردی را در قانون اساسی خود تدارک می‌بینند و ضمن پذیرش تعهدات بین‌المللی زیر نوعی نظارت و مراقبت بین‌المللی قرار دارند. اما این امر بیش از هر چیز مستلزم هشیاری دستگاه‌های ملی، سایر دولت‌های مسئول، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیر دولتی و نشریات بوده و خواهد بود.

### برنامه‌ای برای سده آینده

حقوق بین‌المللی بشر پدیده‌ای ماندنی است، اما برنامه‌اش برای این سده نیازمند دقت و توجه جدی است. هنجارها و نهادها [پیش] باید دوباره ارزیابی شود. چگونگی مسئولیت کامل دولت‌ها درباره حقوق شهروندان‌شان و مسئولیت دیگر دولت‌ها، بویژه دیگر طرف‌های موافقت‌نامه‌های حقوق بشر، و نیز مسئولیت نهادهای بین‌المللی و اعضای آنها (بویژه کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل) و مسئولیت دیگر بازیگران غیر دولتی نیاز به بررسی دارد.

برخی از موارد مهم در برنامه‌های آینده

حقوق بشر عبارت است از: بازنگری هنجارهای بین‌المللی و تحکیم نهادهای بین‌المللی حقوق بشر؛ توجه به ضعف هنجارها و نهادها در تضمین حقوق زنان و اقلیت‌ها؛ بررسی حقوق مردمان محروم و گروه‌هایی همچون پناهندگان؛ پرداختن به نگرانی‌های ناشی از تحولات جدید اقتصادی و اجتماعی؛ پل زدن بین جنبش حقوق بشر و قلمرو مذهب و پرداختن به مسائل مربوط به آزادی مذهبی که از هویت‌های متفاوت مذهبی ریشه می‌گیرد.

در پرتو تحولات سیاسی در سال‌های پایانی سده بیستم، مسائل جدید حقوق بشر و مسائلی که پیش از این به آنها پرداخته نمی‌شد یا رسمیت نداشت مورد توجه قرار گرفت. این [مسائل] موضوعاتی همچون حقوق بشر و «عدالت در دوران گذار» و مطالباتی در زمینه عدالت، حقیقت و تاریخ را دربرمی‌گیرد. همچنان که در آفریقای جنوبی اتحاد جماهیر شوروی، کامبوج، آرژانتین، شیلی، السالوادور، گواتمالا و هائیتی چنین موضوعاتی مطرح شد. این موضوعات همچنین شامل حقوق بشر، مداخله بشر دوستانه جمعی همچون مورد کوزوو در ۱۹۹۹، و حقوق بشر در جریان عملیات حفظ صلح سازمان ملل، مانند مورد تیمور شرقی می‌شود.

### زنان

یکی از مواد برجسته در برنامه حقوق بشر برای آینده باید تأمین برابری زنان باشد که در بسیاری از اسناد وعده داده شده و برای حیثیت انسانی و توسعه ضروری است. کنوانسیون مربوط به از میان بردن همه اشکال تبعیض برضد زنان (CEDAW)، که براساس کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض نژادی (CERD) تدوین شده، با تحفظ‌های زیادی روبه‌رو شده است که بیانگر گرایش‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی بسیار ریشه‌دار است. نهاد ناظر بر اجرای کنوانسیون از میان بردن همه اشکال تبعیض برضد زنان، اختیارات کمتری از کمیته ناظر بر کنوانسیون محو تمام اشکال تبعیض نژادی دارد که این تفاوتها باید از میان برود.

موانع موجود در راه تحقق برابری زنان

○ یکی از مواد برجسته در برنامه حقوق بشر برای آینده باید تأمین برابری زنان باشد که در بسیاری از اسناد وعده داده شده و برای حیثیت انسانی و توسعه ضروری است.



باید با توسل به ابزارهای لازم و با حفظ صلح و روابط دوستانه میان جوامع قومی و مذهبی انجام شود. همه تسهیلات سازمان ملل متحد، نهادهای منطقه‌ای و ملت‌های توسعه‌یافته‌تر باید برای دستیابی به این هدف هماهنگ شود. رسیدگی به موضوع شوربختانه کولی‌ها که مدت زیادی نادیده گرفته شده‌اند، فوریت خاص دارد.

### حقوق بشر و مذهب

ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ مشابه در «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» (ICCPR) آزادی اندیشه، وجدان و مذهب را به رسمیت می‌شناسند. اما برخی مذاهب در برابر برخی از آزادی‌ها همچون حق تغییر یا تبدیل مذهب ایستادگی می‌کنند. جهان مذهب و جهان حقوق بشر همیشه به راحتی همزیستی نداشته‌اند. مذهب و بویژه برخی مذاهب با حقوق بشر بعنوان یک ایدئولوژی خودکفا که لزوماً ریشه در مذهب ندارد، سازگار نبوده است.

از سوی دیگر، آرمان حقوق بشر در برابر ادعاهای برخی از مذاهب که برای بی‌اعتبار کردن دیگر مذاهب مطرح می‌شوند، ایستادگی کرده است. برخی مذاهب برای توجیه تمایزهای مبتنی بر مذهب، جنسیت، یا گرایش جنسی یعنی تمایزهایی که می‌تواند با ایده حقوق بشر در تعارض باشد، به اصول دینی استناد کرده‌اند. افزایش «بنیادگرایی» که گاهی نیز با اقتدار سیاسی همراه است و فاداری برخی دولت‌ها را نسبت به آرمان حقوق بشر و میثاق‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی، بویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون از میان بردن همه اشکال تبعیض برضد زنان تضعیف کرده است.<sup>۵۹</sup> در سده جدید باید نمایندگانی از جانب حقوق بشر و نمایندگانی از مذاهب خاص برای گسترش تفاهم و هماهنگی به گفتگو بپردازند.

### پناهندگان

نظام بین‌المللی، پیش از جنگ جهانی دوم از حمایت پناهندگان سر باز می‌زد و پس از آن نیز

ابامردان] در برخی از مقررات نامعمول در کنوانسیون از میان بردن همه اشکال تبعیض برضد زنان، منعکس گردیده است. ماده ۵ (بند الف) دولت‌های عضو را به «اصلاح الگوهای اجتماعی و فرهنگی رفتار مردان و زنان به منظور محو تعصبات و رویه‌های عرفی و رویه‌های دیگری که بر ایده‌پستی یا برتری هر یک از «جنس یا بر نقش‌های از قبل تعیین شده مردان و زنان مبتنی است» ملزم می‌کند. ولی کنوانسیون مذکور در مورد مشکل جدی خشونت نسبت به زنان و روابط نابرابر موجود در خانه ساکت است. [احقاق] حقوق برابر برای زنان نیاز به تلاش هماهنگ همه عناصر جنبش حقوق بشر در جهان دارد تا تحفظها از میان برود و مقررات کنوانسیون از میان بردن همه اشکال تبعیض برضد زنان با حسن نیت و سعه صدر اجرا شود.

### اقلیت‌ها

بی‌توجهی رایج پس از جنگ جهانی دوم نسبت به مسئله اقلیتها باید رفع شود.<sup>۵۸</sup> در سال ۱۹۴۵ (منشور ملل متحد) و در سال ۱۹۴۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آشکارا بر این فرض مبتنی بود که توجه خاص به اقلیتها که زمانی برای ایجاد صلح در اروپا ضروری دانسته شده بود، دیگر ضرورتی ندارد. در این زمان حفظ صلح با منشور ملل متحد و شورای امنیت بود و اقلیت‌ها با بهره‌گیری از حقوق بشر - یعنی حقوق بشر همگانی - مورد پشتیبانی بودند.

سپس میثاق‌های بین‌المللی، حقوق ملت‌ها را نسبت به تعیین سرنویشت سیاسی و اقتصادی‌شان برقرار کردند. اما حقوق گروه‌های اقلیت، حقوق اعضای‌شان در مقام گروه و حتی حقوق خود اعضا در رابطه با گروه، به اجمال برگزار شده است. وضع اسفناک اقلیتها و رابطه آن با آرامش داخلی و صلح بین‌المللی، همچنان از دید حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی مایه نگرانی است.

تراژدی یوگسلاوی سابق، در بوسنی و کوزوو، لزوم مداخله جمعی بهنگام، برنامه‌ریزی شده، و هماهنگ زیر نظر سازمان ملل متحد و ناظران منطقه‌ای را مطرح می‌کند تا از درگیری و جرائم نسبت به بشریت پیشگیری شود و این امر

### ○ تراژدی یوگسلاوی

سابق، در بوسنی و کوزوو، لزوم مداخله جمعی بهنگام، برنامه‌ریزی شده، و هماهنگ زیر نظر سازمان ملل متحد و ناظران منطقه‌ای را مطرح می‌کند تا از درگیری و جرائم نسبت به بشریت پیشگیری شود و این امر باید با توسل به ابزارهای لازم و با حفظ صلح و روابط دوستانه میان جوامع قومی و مذهبی انجام شود.

نیست. (جدا از پناهندگان سیاسی) جنبش حقوق بشر باید به حقوق پناهندگان و آوارگان در هر جا که باشند، توجه کافی داشته باشد.

### متحقق ساختن احترام به حقوق بشر

وقت آن فرا رسیده است که جامعه بین‌المللی به بررسی هنجارها و نهادهای حقوق بین‌المللی بشر بپردازد، به بهبود نهادهای ملی که حقوق فردی بر آنها متکی است یاری رساند، نهادهای بین‌المللی را تقویت کند و آنها را به نظارت و بهبود حقوق بشر در جاهایی که با مشکل روبه‌رویند قادر سازد.

برای اینکه رعایت هنجارهای حقوق بین‌المللی بشر عملی شود، نیاز به اقدامات زیادی است؛ حرکت دولتها از تعهد ظاهری به سوی تعهد اصیل؛ اهمیت دادن به نظام گزارش دهی مورد نیاز میثاقها و کنوانسیونها؛ تقویت اقتدار کمیته‌های معاهده‌ای و حرکت از گزارش دهی اختیاری دولتهای عضو به سوی نظارت، تحقیق و حمایت قضایی، همچنانکه برخی نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشر [این کارها را] انجام داده‌اند، در شمار این اقدامات است.

زمان آن فرا رسیده است که نظام حقوق بشر به تحفظهای وارد بر میثاقها و کنوانسیونهای حقوق بشر بپردازد و آنها را سخت کاهش دهد. در گذشته جامعه بین‌المللی برای تشویق کشورها به تصویب [پیمانها] تحفظها را به آسانی می‌پذیرفت، و کمتر آنها را مورد سؤال قرار می‌داد. جامعه بین‌المللی بهتر می‌دید که پیوستن به پیمانها را تشویق کند، حتی اگر آن [پیوستن] ظاهری یا در اصل مزورانه باشد. جامعه بین‌المللی اینک باید در زمینه پیروی کامل از میثاقها و کنوانسیونها و از روح و هدفشان پافشاری کند. زمان آن است که دوباره و دوباره به همه دولتها یادآوری شود که وضع حقوق بشر در هر جا به آنها مربوط می‌شود و اینکه تخلفات شدید در هر جا به منافع همگانی لطمه می‌زند. هنگام آن است که هنگام بر رابطه تخلفات از حقوق بشر و صلح و امنیت داخلی و صلح و امنیت بین‌المللی سخن گفته گذارند. تعهد قدرتهای

اقدامات مناسبی برای آنها انجام نداده است. حتی اعلامیه جهانی حقوق بشر از پناهندگان نامی نبرده است ولی به نظر می‌رسد حق فردی درخواست پناهندگی سیاسی و برخورداری از آن را به رسمیت می‌شناسد، اما حق دریافت پناهندگی را - به گونه‌ای که بهره‌مند شدن از آن، مقدور باشد - به روشنی به رسمیت نمی‌شناسد، و به حقوق پناهندگان یا آوارگانی که در سرزمین خودشان از سرکوب سیاسی نمی‌گریزند، نمی‌پردازد. کنوانسیون ۱۹۵۱ راجع به وضع پناهندگان نیز به هیچ پناهجویی حق پناهندگی نداده است. يك رویه ضمنی، دولتها را به مسترد نکردن پناهندگان - یعنی پس ندادن آنها به کشوری که زندگی یا آزادی‌شان در آن به مخاطره می‌افتد متعهد می‌کند، که البته با اعطای حق پناهندگی بسیار تفاوت دارد.<sup>۶۰</sup>

کنوانسیون پناهندگان مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، مرزهایی منطقی بین پناهندگان سیاسی و دیگر پناهندگان، بین پناهندگان در خارج از کشور و آوارگان داخلی می‌کشد؛ با وجود این، به کسانی که در دو طرف این مرزها قرار دارند، به گونه شایسته توجه نمی‌کند.

پناهندگان فرزند خوانده جنبش حقوق بشر باقی می‌مانند. پناهندگان به تلاشهای قهرمانانه کیسیر عالی ملل متحد برای پناهندگان و لطف دولتها دل بسته‌اند. در آغاز سده بیست و یکم، میلیونها پناهنده و آواره، قربانیان «احساس خستگی» به‌شمار می‌روند. نشانه‌ای از آمادگی نظام بین‌المللی برای پرداختن به تراژدی‌های آنها از راه تدوین برنامه‌هایی به منظور جلوگیری از به راه افتادن سیل پناهندگان، برای نمونه، از راه نظارت و بهتر کردن وضع حقوق بشر در کشورهایی که آنان از آنجا می‌گریزند؛ با تدارک کمک خارجی برای جلوگیری از مهاجرت جمعی پناهندگان اقتصادی؛ با ایجاد حق قانونی پناهندگی دستکم برای برخی از پناهندگان و تحمیل تعهداتی به دولتها برای سهیم شدن در مشکلات مربوط به پناهندگان و با تشویق دولتها به این مهم که در پذیرش و احترام به حقوق بشر پناهندگان نفع انسانی و حتی ملی دارند، در دست

### ○ اعلامیه جهانی حقوق

بشر از پناهندگان نامی نبرده است ولی به نظر می‌رسد حق فردی در خواست پناهندگی سیاسی و برخورداری از آن را به رسمیت می‌شناسد، اما حق دریافت پناهندگی را - به گونه‌ای که بهره‌مند شدن از آن، مقدور باشد - به روشنی به رسمیت نمی‌شناسد، و به حقوق پناهندگان یا آوارگانی که در سرزمین خودشان از سرکوب سیاسی نمی‌گریزند، نمی‌پردازد.

بزرگ (ایالات متحده، اروپا و ژاپن) و دیگر [دولتهای] آسیا، آفریقا و آمریکا، برای دست زدن به کارهایی در برابر تخلقات شدید از حقوق بشر ضرورت دارد. هنگام آن رسیده است که مسئولیتی که به گونه تلویحی در کنوانسیونهای چند جانبه آمده است، به رسمیت شناخته شود، که بر پایه آن هر دولت عضو باید در صورت لزوم از راه طرح شکایات پیگیر نزد کمیته‌ها، کمیسیونها و دادگاهها، با توسل به وعده‌های گوناگون و چنانچه ضرورت ایجاد کند با توسل به تهدیدهای گوناگون، دیگران را نسبت به تعهداتشان پابرجا نگه دارد.

### حقوق بشر و جهانی شدن

وضع جهان امروز همانند وضع جهان در سال ۱۹۴۸ نیست؛ پذیرش حقوق بشر در جهان پنجاه سال پیش پیشرفتی اساسی بود. اینک آینده و آرمان حقوق بشر نیاز به انطباق با دگرگونیهای سده جدید دارد. نیم سده پیش، جنبش حقوق بشر برای پذیرش آرمان حقوق بشر در نظام سیاسی ای که متشکل از دولتها بود آنها را متقاعد ساخت که «حاکمیت» و دیگر «ارزشهای دولت» ارزشهای نهایی نیست، و ارزشهای دولت باید در خدمت ارزشهای انسانی باشد؛ ارزشهایی که متعلق به میلیاردها انسان است. اینک جنبش حقوق بشر باید خود را با عصر جهانی شدن «بازار» و «فضای مجازی» (Cyberspace) [اطلاعات نرم‌افزاری] تطبیق دهد. حقوق بین‌المللی بشر شرایط حقوق بشر در هر کشور را زیر نظارت جهانی قرار داده و با این کار و با تحمیل مسئولیت بر دولتها در مورد تخلقات دیگر دولتها، «حاکمیت» آنها را تضعیف کرده است. اما در دوران فرا آینده، حاکمیت و مسئولیت در قبال حقوق بشر چه جایگاهی دارند؟ بویژه چه کسی مسئول نقض شدن حقوق بشر از سوی شرکتهای جهانی است؟

حتی در عصر جهانی شدن، مسئولیت حقوقی در یک نظام [متشکل از] دولتها بر عهده دولتها باقی می‌ماند. اما دولتها، به تنهایی یا با هم می‌توانند به مؤسسات خصوصی، مانند بنگاههای چند ملیتی تعهداتی در زمینه احترام به حقوق

بشر تحمیل کنند، و نظام بین‌المللی باید ناظر بر چنین تعهداتی باشد و آنها را اجرا کند. دولتها می‌توانند برای محترم شمرده شدن و تضمین حقوق انسانها، تعهداتی به شرکتهای تحمیل کنند که به فعالیتهای جهانی‌شان مربوط می‌شود. شاید این کار را آغاز کرده باشند: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دولتهای عضو را به «احترام گذاردن و تضمین» حقوق به رسمیت شناخته شده در میثاق، متعهد می‌سازد. به نظر می‌رسد که دولتها متعهدند تضمین کنند شرکتهای زیر نظارت و در حوزه صلاحیتشان در هر جا که فعالیت دارند، از به کار گرفتن کارگر بی‌دستمزد یا کودکان خودداری کنند؛ از مشارکت در شکنجه، بدرفتاری و دیگر اقدامات سرکوبگرانه پرهیز و از حقوق اقتصادی و اجتماعی مردمانی که در میان آنها به فعالیت می‌پردازند، پشتیبانی کنند. تا اینکه مسئولیت دولتها و شرکتهای به روشنی شناسایی شود و قاطعانه تحقق پذیرد، راه درازی در پیش است.<sup>۶۱</sup>

### چشم‌اندازها:

### آینده آرمان حقوق بشر

تغییرات نظام سیاسی بین‌المللی گویای این است که سده بیست‌ویکم حتی از نیم سده گذشته بیشتر پذیرای آرمان حقوق بشر خواهد بود. پس از جنگ جهانی دوم، آرمان حقوق بشر برای همگانی شدن و پذیرفته شدن نزد هر دو طرف جنگ سرد و همه نظام‌های اقتصادی، شامل سوسیالیسم و سرمایه‌داری و همه گونه‌هایشان راه سختی پیمود، زوال کمونیسم و امپراتوری شوروی موجب از میان رفتن ایدئولوژی‌ای شد که آرمان حقوق بشر ناهماهنگ بود و در چشم‌انداز کنونی هیچ ایدئولوژی اینجانبی تازه‌ای برای جایگزینی آن وجود ندارد. از دید من، در سده بیست‌ویکم، وضع بشر چه در داخل و چه خارج از هر کشور با معیارهای حقوق بشر مورد داوری قرار خواهد گرفت. البته منظورم پیش‌بینی گسسته شدن قطعی پیوند میان دولت لیبرال و دولت رفاه - که اعلامیه جهانی آن را ارج نهاده - نیست؛ پایبندی به حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی، هر دو، بعنوان

○ کنوانسیون پناهندگان مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، مرزهایی منطقی بین پناهندگان سیاسی و دیگر پناهندگان، بین پناهندگان در خارج از کشور و آوارگان داخلی می‌کشد؛ با وجود این، به کسانی که در دو طرف این مرزها قرار دارند، به گونه شایسته توجه نمی‌کند.

میراث حقوق بشر برای سده تازه باقی خواهد ماند.

تفاوت درجات تصدی‌گری فردی و تصدی‌گری عمومی، آزادی اقتصادی و مقررات حکومتی، در مکانها و زمانهای گوناگون باقی خواهد ماند. کشورها در این مورد که وضع چه محدودیت‌هایی بر حقوق از دید منافع عمومی لازم است و اینکه در شرایط اضطراری، انحراف از حقوق [بشر] تا چه اندازه مجاز است، همچنان اختلاف [نظر] خواهند داشت. پیشرفت‌ها و نیز واگردهایی در زمینه حقوق بشر وجود خواهد داشت. نه می‌توان انتظار داشت تروریسم و بی‌نظمی‌ها و جنگ‌های داخلی پایان یابد، نه تضمینی برای کاهش یافتن جریان گسترده

پناهندگان و نسل‌کشی‌های بیشتر وجود دارد. اما به نظر من آرمان حقوق بشر و ایدئولوژی مرتبط با آن یعنی طرفداری از قانون اساسی، آرمانی جهانی باقی خواهد ماند، درحالی‌که جهان به نبردش با فقر و توسعه‌نیافتگی ادامه می‌دهد.

اینک در سده جدید، هر کس در هر کشور، از جامعه‌اش خواهان آزادی‌ها، حمایت‌ها و مزایای آرمان حقوق بشر است. اینک هر انسانی خواهان مسئولیت و حمایت بین‌المللی است. حقوق بشری که انسان از آن برخوردار می‌شود، بسته به حفظ فرهنگ حقوق بشری خواهد بود که به سهم خود در گرو پایبندی و مسئولیت‌پذیری حکومتها و نهادها، سازمانهای غیردولتی و هر يك از ماست.

○ در سده جدید، هر کس در هر کشور، از جامعه‌اش خواهان آزادی‌ها، حمایت‌ها و مزایای آرمان حقوق بشر است. اینک هر انسانی خواهان مسئولیت و حمایت بین‌المللی است. حقوق بشری که انسان از آن برخوردار می‌شود، بسته به حفظ فرهنگ حقوق بشری خواهد بود که به سهم خود در گرو پایبندی و مسئولیت‌پذیری حکومتها و نهادها، سازمانهای غیردولتی و هر يك از ماست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

در بخش نخست این مقاله که در شماره پیش به چاپ رسیده بود، برخی اشتباهات چاپی دیده شد. بدین وسیله از خوانندگان ارجمند و مترجم محترم پوزش می‌خواهیم.